خبر

انتشار جلدهای تازه «تفسیر همگام با وحی»

ایکنا: محمد سلطانی، مدیرگروه تفسیر تنزیلی موسسه التمهید اظهار کرد: «جلدهای چهارم و پنجم تفسیر همگام با وحی در دست انتشار است و به‌زودی روانه بازار می‌شود.» سلطانی با اشاره به این مطلب که در سه جلد گذشته این تفسیر که اکنون در بازار موجود است، تفسیر ۴۶ سوره قرآن به ترتیب نزول ارائه شده است، عنوان کرد: «در نگارش این اثر، تلاش بر این بود که سوره‌ها و آیه‌ها به ترتیب نزول‌شان بر پیامبر اکرم(ص) به جهت کشف تحول آفرینی‌ای که در جامعه معاصر نزول پدید آمد، تفسیر شوند.» وی در مورد سوره‌های تفسیرشده در مجلدات جدید این مجموعه نیز بیان کرد: «در جلد چهارم به تفسیر سوره‌های ۴۶ تا ۴۹ نزول یعنی سوره‌های شعراء، نمل، قصص و بنی اسرائیل پرداخته شده است.» سلطانی با اشاره به این مطلب که سه سوره شعراء، نمل و قصص به طواسین سه‌گانه هم مشهور هستند، گفت: «این سه سوره در ترتیب مصحف نیز به همین ترتیب قرار گرفته‌اند و به خوبی فهم دقیق‌تری که در پرتو تفسیر تنزیلی حاصل می‌شود را نشان داده و قابل مقایسه تطبیقی بین مفسران ترتیب مصحفی و ترتیب نزولی خواهد بود.» مدیرگروه تفسیر تنزیلی موسسه التمهید با بیان اینکه در جلد پنجم نیز به تفسیر سوره‌های یونس، هود، یوسف و حجر پرداخته شده است، عنوان کرد: «نگارش این جلد هم به پایان رسیده و مراحل ویراستاری علمی ساختاری و ادبی را می‌گذراند و تا پایان سال به جامعه علمی ارائه خواهد شد.»

«اطلاعات حکمت و معرفت» منتشر شد

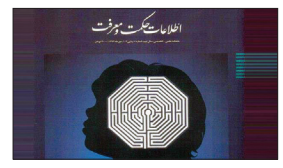

شماره ۱۰۲ ماهنامه «اطلاعات حکمت و معرفت» ویژه‌نامه «فلسفه ذهن» با مدیرمسئولی و سردبیری ان‌شاءالله رحمتی و دبیری علیرضا رضایت منتشر شد. در این شماره پس از سخن دبیر با عنوان «ذهن»، مطالب دفتر این ماه آغاز شده که مطلب آغازین آن گفت‌وگویی است با حسین رضایی با عنوان «فلسفه ذهن» و در ادامه نیز گفت‌وگویی با دیوید جان چالمرز با عنوان «ذهن و آگاهی» آمده است. «گذری بر پاره‌ای از مسائل و موضوعات جدید فلسفه ذهن» از جان بروکمان با ترجمه علی اخلاقی، «استدلالی جدید بر تجرد نفس» از سعید رحیمیان، «هوش مصنوعی و روح» از راسل سی بیورک با ترجمه میترا سرحدی، «ثبات و تغییر هوش» از ناتان برادی با ترجمه علیرضا رضایت و «ارمغان فلسفه ذهن برای اخلاق» از ساتو ریوجی با ترجمه لیلا شیخ دیگر مطالب دفتر این ماه است. «زمان مطلق و زمان متناهی در جهان‌شناخت مذهب اسماعیلیه» از هانری کربن با ترجمه ان‌شاءالله رحمتی، «زن و ازدواج قدسی از دیدگاه بهاء ولد» از علی‌اکبر افراسیاب‌پور و «فضیلت‌مند بودن و انجام کار درست» از جولیا آناس با ترجمه حسینعلی رحمتی نیز مطالب بخش اندیشه و نظر این شماره است.

«پدیدارشناسی یا تاریخ‌گرایی دینی» بررسی می‌شود

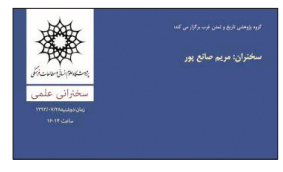

گروه پژوهشی تاریخ و تمدن غرب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نشست «پدیدارشناسی یا تاریخ‌گرایی دینی» را برگزار می‌کند. «پدیدارشناسی یا تاریخ‌گرایی دینی» عنوان سخنرانی مریم صانع‌پور است که دوشنبه ۲۸ مهرماه جاری از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شود. محل برگزاری این نشست، بزرگراه کردستان، نبش خیابان ۶۴ غربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طبقه سوم، سالن اندیشه است.

نگاهی به «هگل و پدیدارشناسی روح» در گفت‌وگو با محمدمهدی اردبیلی

مساله هگل، همان مساله امروز ماست

فردریش هگل

محمدمهدی اردبیلی

سیرانوش موسوی

فلسفه هگل، داستان فرآیند روح است. روح طبیعت و تاریخ را از خود آفرید و خود به شکل عینیات طبیعی و نهادهای تاریخی درآمد به این سان در زمان و مکان توسعه یافت و از خود بیگانه شد. هدف روح آن بود که خود را بشناسد و به خودآگاهی برسد. خودشناسی روح طی تاریخ افزون می‌شود و در نهایت این فرآیند دستیابی به شناخت مطلق خویش است. محمدمهدی اردبیلی، دانش‌آموخته دکترای فلسفه از دانشگاه تبریز است. از وی تاکنون آثار مختلفی در حوزه فلسفه، به‌ویژه فلسفه کانت و هگل منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به تالیف کتاب «آگاهی و خودآگاهی در پدیدارشناسی روح»، ترجمه کتاب «خودآگاهی هگلی و پساساختارگرایان فرانسوی»، ترجمه منتخبی از نوشته‌های سیاسی هگل با عنوان «دفترهای سیاست مدرن ۱»، ترجمه گزینش و ویرایش «نقادی نقد عقل محض» و ترجمه کتاب «واسازیِ هگل» اشاره کرد. کتاب «هگل و پدیدارشناسی روح» به قلم رابرت استرن آبان‌ماه امسال با ترجمه محمدمهدی اردبیلی، از سوی انتشارات ققنوس به چاپ می‌رسد. به بهانه انتشار این کتاب با مترجم آن گفت‌وگو کردیم.

لطفا کمی درباره کتاب «هگل و پدیدارشناسی روح» و جایگاه و ارزش آن صحبت کنید. چرا شما به سراغ ترجمه این کتاب رفتید؟

کتاب پدیدارشناسی روح که یکی از مهم‌ترین آثار هگل و چه بسا یکی از پنج اثر بزرگ تاریخ فلسفه است و چند سالی است در کشور ما مورد توجه قرار گرفته است. از این کتاب تاکنون دو ترجمه منتشر شده که هرچند ترجمه دوم (باقر پرهام) نسبت به ترجمه اول (زیبا جبلی) پیشرفت قابل توجهی داشته است، اما همچنان به نظر می‌رسد این اثر به جایگاه شایسته خود در زبان فارسی دست نیافته است. البته تا آنجا که من اطلاع دارم، دو ترجمه دیگر از این اثر در حال انجام است که یکی از آنها به‌زودی منتشر خواهد شد. به هر حال خود من هم چند سالی است روی اندیشه‌های هگل متمرکز شده‌ام و بخش قابل توجهی از فعالیت‌ها، کتاب‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها و درس گفتارهایم مشخصا روی پدیدارشناسی روح متمرکز است.

حال برگردیم به سوال اصلی شما در مورد ترجمه اخیر من از کتاب «هگل و پدیدارشناسی روح». این کتاب یکی از مجلدات مجموعه سبزرنگی است که انتشارات راتلج منتشر کرده است و هر کدام از آنها به شرح و تفسیر یکی از آثار بزرگ تاریخ فلسفه اختصاص دارد. این کتاب از این جهت قابل توجه است که شرح قابل استفاده و مفیدی از کلیت ایده‌های هگل در کتاب پدیدارشناسی روح ارائه می‌دهد و همان‌طور که یکی از شارحان هگل، یعنی فردریک بیزر گفته، این کتاب سراست‌ترین شرح بر پدیدارشناسی روح هگل در زبان انگلیسی است. به همین دلیل من همراه با سیدمحمدجواد سیدی، این اثر را برای ترجمه انتخاب کردیم. من پس از اتمام ترجمه، همراه با افزودن مقدمه‌ای، اثر را در اختیار انتشارات ققنوس قرار دادم که خوشبختانه در آنجا هم به لطف دغدغه‌های ناشر، این کتاب توسط مسعود حسینی یک مرحله، هم به لحاظ مفهومی و هم از حیث نگارشی ویراستاری شد که بی‌تردید به ترجمه بهتر کتاب یاری رساند. علاوه‌بر این، خود رابرت استرن، نویسنده کتاب هم لطف کرد و مقدمه‌ای بر ترجمه فارسی کتاب نوشت که این مقدمه ارزشمند را نیز ضمیمه کتاب کردیم.

سرفصل‌ها و مدخل‌های کتاب را چگونه تنظیم کردید؟

همان‌گونه که می‌دانید، پدیدارشناسی روح، هشت بخش اصلی دارد: پیشگفتار، مقدمه، آگاهی، خودآگاهی، عقل، روح، دین و دانش مطلق. در نتیجه از آنجا که کتاب استرن، شرحی بر پدیدارشناسی روح است، سرفصل‌های این کتاب، در هفت فصل متناظر با بخش‌های مختلف خود کتاب پدیدارشناسی روح تنظیم شده است. در فصل نخست رابرت استرن به پیش‌زمینه‌ها یا بسترهای فکری هگل و مقدماتی درباره نظم اندیشه‌ای هگل و درنهایت به پیشگفتار و مقدمه می‌پردازد. ادامه فهرست کتاب نیز به این صورت است: فصل ۲: دیالکتیکِ ابژه (شرح بخش آگاهی)، فصل ۳: دیالکتیک سوژه (شرح بخش خودآگاهی)، فصل ۴: دیالکتیک عقل، فصل ۵: دیالکتیک روح، فصل ۶: دیالکتیک دین و فصل ۷: فلسفه به مثابه دیالکتیک.

سخن اصلی هگل در پدیدارشناسی روح چیست و این اندیشه چه جایگاهی در فلسفه غرب دارد؟

به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد ما در این کتاب برای نخستین‌بار با روش و منطق دیالکتیکی خاص هگل روبه‌رو می‌شویم. اما اینکه هگل در این کتاب چه می‌گوید، فرصت و مجالی گسترده‌تر از یک مصاحبه را می‌طلبد. من در اثرم با عنوان «آگاهی و خودآگاهی در پدیدارشناسی روح» کوشیده‌ام با تحقیقات و مطالعات فراوان به همین پرسش پاسخ دهم. به‌طور کلی می‌توان گفت در این کتاب ما با رویکرد وحدت‌گرایانه خاصی طرف هستیم که می‌کوشد تمام جنبه‌های مختلف تاریخ بشری را در نسبت دیالکتیکی گردهم آورد و در نتیجه حاصلش چیزی نیست جز روایتی از سیر تکوینی دیالکتیک روح و به فعلیت درآمدن آن در طول تاریخ. در واقع، این روح از جهات مختلف (سیاسی، اجتماعی، ادبی، دینی، هنری، اقتصادی، فلسفی، علمی و...) و در زمان‌های مختلف (یونان، قرون وسطی، ظهور مدرنیسم، روشنگری تا زمان خود هگل) تجلیات متعددی به خود گرفته است. در واقع، هگل سعی دارد طرحی جامع از کل تاریخ ارائه دهد که دربرگیرنده تمام این دقایق باشد تا بتواند آنها را به میانجی یک منطق نظام‌بخش یعنی دیالکتیک، حول هم گردآورد و در یک نظم منطقی قرار دهد. حال مثلا می‌توان گفت بخش «آگاهی» بیشتر به وجوه معرفت‌شناختی تکیه دارد، بخش «خودآگاهی» و در ادامه آن «عقل» به سیر تکوین فرد از نخستین دقایق مواجهه‌اش با فرد دیگر تا والاترین حدش در مقام فرد قانونگذار اخلاق کانتی می‌پردازد. بخش «روح»، مقیاسی کلی‌تر دارد و همین مقیاس کلی و فراگیر را به میانجی تراژدی آنتیگونه، از نبرد دو قانون الهی و انسانی در یونان آغاز کرده و پس از آن، با گذار از وضعیت حقوقی در روم باستان و قرون وسطی به روشنگری و انقلاب کبیر فرانسه می‌رسد و به این بهانه انتقادات خود را به رویکردهای غالب مدرن وارد می‌سازد. بخش «دین» نیز از نخستین تجلیات دین، یعنی پذیرش نور و گیاه و حیوان تا آخرین مرحله دین وحیانی مسیحی را دربرمی‌گیرد و درنهایت به بخش دانش مطلق می‌رسد که دربردارنده کل این سفر روحانی است.

> هگل فیلسوفِ راه سوم‌هاست و این همان چیزی است که ما امروز به آن نیاز داریم

به نظر شما می‌توان گفت سخنان پیچیده و غامض متافیزیکی هگل در حقیقت درباره زندگی اجتماعی است و چون با نظم اجتماعی حاکم در تضاد بودند، از بیان روشن آنها پرهیز کرده است و آن را در لفافه بیان می‌کرد. اگر چنین برداشتی صحیح باشد فکر می‌کنم می‌توانیم با پدیدارشناسی روح هگل در ایران نسبت برقرار کنیم؟

این سوال مهمی است و شاید مهم‌ترین سوال باشد. اخیرا من پروژه‌ای را آغاز کرده‌ام تحت‌عنوان «ما و هگل» و می‌کوشم تا طی آن به نسبت ما با هگل بپردازم؛ حال این ما می‌خواهد مای ایرانی باشد یا مای شرقی یا مای اسلامی و.... از این پروژه که با همکاری ماهنامه «اطلاعات حکمت و معرفت» پیش می‌رود تاکنون یک شماره در خرداد ماه امسال منتشر شده است و شماره دوم آن نیز در آبان ماه به گیشه می‌آید و فکر می‌کنم شماره سومی هم دارد که احتمالا تا آخر سال منتشر خواهد شد. در این مجموعه، مقالات و مصاحبه‌های متعددی با رویکردهای مختلفی ارائه شده است که هدف کلی آن بیش از آنکه فهم هگل باشد، شناخت خود ما به میانجی مواجهه‌مان با هگل به‌طور خاص و مواجهه‌مان با مدرنیته به‌طور عام است.

اما یکی از دلایلی که من شخصا روی هگل متمرکز شده‌ام این است که احساس می‌کنم مساله امروز ما با بخش قابل توجهی از دغدغه‌های هگل هم‌سو بوده است و سخنان و بصیرت‌های هگل می‌تواند دست‌کم بارقه‌ای برای فهم و حل مسائل امروز ما بتاباند. به‌عنوان نمونه، زمانی که هگل زندگی می‌کرد یک نبرد جدی بین روشنگری به مثابه دین‌ستیزی و از طرف دیگر طرفداران دین به مثابه جزم‌اندیشان وجود داشت اما هگل در این میان با نقد هر دو طیف و هر دو برداشت از دین، راه سومی ارائه می‌دهد. هگل فیلسوفِ این راه سوم‌هاست و این همان چیزی است که ما امروز به آن نیاز داریم. می‌توان رویکردها و مثال‌های بیشتری در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ارائه داد و نزدیکی و همخوانی هگل و ما، به‌ویژه مساله هگل و مساله ما را نشان داد.

درسگفتاری از هدایت علوی تبار

به دنبال رهایی

درباره فلسفه رنج آرتور شوپنهاور

تسنیم: متن پیش‌رو خلاصه‌ای از سخنرانی هدایت علوی‌تبار عضو هیات‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و متخصص فلسفه دین است که در آن منظومه فکری شوپنهاور را تحلیل می‌کند.

شوپنهاور، متفکر آلمانی نیمه دوم قرن نوزدهم است. نخستین مطلبی که در مورد وی باید مطرح کرد، زندگی، آثار و ریشه‌های فکری اوست. ابتدا دو نکته را در مورد شوپنهاور باید ذکر کنیم. یکی اینکه افکار او خیلی متأثر از کانت و افلاطون و اُپانیش شادها (یکی از متون هندی) است و خود او به این اثرپذیری اشاره دارد. نکته دوم اینکه شوپنهاور از نظر فردی، شخصیتی تند و عصبی است و معمولا افکار و به‌خصوص انتقاداتش را به تندی بیان می‌کند. شوپنهاور افکار فیخته، هگل و شیلینگ را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد. نظام فکری‌ای که شوپنهاور ارائه می‌دهد، نقطه مقابل فلسفه هگل است. هگل متفکری عقلگراست، اما شوپنهاور این جنبه از تفکرات هگل را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد. شوپنهاور عقلگرا نیست و به هیچ وجه قائل نیست که این عالم، باید یک نظام عقلانی داشته باشد، بلکه اراده‌گراست.

شناخت‌شناسی شوپنهاور

دیدگاه شوپنهاور در شناخت‌شناسی -به جز در مواردی- مانند دیدگاه‌های کانت است. یک تفاوت عمده میان کانت و شوپنهاور، این است که شوپنهار، فنومن و نومن کانت را قبول دارد، اما از نظر او، نومن همان اراده است. او در اینجا خود را از کانت جدا می‌کند، زیرا کانت هرگز چنین چیزی نگفته بود. پس اصل اساسی در فلسفه شوپنهاور این است که وجود فنومن و نومن را می‌پذیرد، اما نومن را همان اراده می‌داند. کانت معتقد است که عالم نومن، همان خدا و روح هستند که بنیاد عالم را تشکیل می‌دهند، اما شوپنهاور اراده را به جای آنها قرار می‌دهد. کانت نفس را به علت تدین خود قبول داشت و نومن را از طریق اخلاق اثبات می‌کرد، اما شوپنهاور یک فیلسوف ملحد است. از نظر شوپنهاور حتی در انسان، اراده بر عقل مقدم است و چنین نیست که انسان ابتدا از طریق عقل به درستی کاری پی ببرد و سپس آن را اراده کند، بلکه نخست اراده می‌کند و آنگاه برای آن دلیل می‌آورد، چون در انسان، اراده اصل است. از نظر او بنیاد عالم نیز بر اراده است. دلیل او این است که کار اصلی انسان‌ها در جهت بقای خودشان یا در جهت حفظ نوع‌شان است. از این‌رو اراده‌ای که پشت صحنه وجود دارد، تمام انسان‌ها را به این سمت می‌کشاند.

اراده‌ای که شوپنهاور می‌گوید، به نوعی با آن روح مطلق که هگل می‌گفت، مترادف است، تنها با این تفاوت که کر، کور و بی‌شعور است. در واقع آن روح مطلق که هگل می‌گفت، نوعی قوه آگاهانه بود که عالم را به سمت تعالی سوق می‌داد. تفاوت دیگر در این است که آن روح در هگل، به سمت آزادی و آگاهی بیشتر انسان می‌رفت. به این معنا که هدف هگل هدفی خوش‌بینانه بود، اما در شوپنهاور این‌طور نیست. نوع زندگی برای شوپنهاور مهم نیست.

انسان‌شناسی شوپنهاور

شوپنهاور از اینجا وارد بحث انسان می‌شود و می‌گوید که چون نظام عالم عقلانی نیست، پس در انسان نیز همین‌گونه است و اراده، راهبر انسان است نه عقل؛ به این معنا که انسان ابتدا چیزی را اراده و آن‌گاه عقل آن چیز را توجیه می‌کند. البته اینکه انسان چه چیزی را اراده می‌کند نیز به اراده فی‌نفسه بازمی‌گردد که در کل عالم وجود دارد. اراده فی‌نفسه در عالم، در اراده انسان تاثیر می‌گذارد و به آن می‌گوید که چه چیزی را اراده کند. در واقع، ما در عالم فنومن هستیم و اراده فی‌نفسه، نومن است که از پشت صحنه ما را کنترل می‌کند. از نظر شوپنهاور، فایده عقل این است که از یک‌سو امکانات را برای رسیدن به آن هدف فراهم می‌کند و از سوی دیگر، ارزیابی می‌کند که نتایج این عملی که انجام شده، چه بوده است، اما در این میان فرمانده اراده است. بحث‌های انسان‌شناسی شوپنهاور در روان‌شناسی فروید خیلی اثرگذار بود.

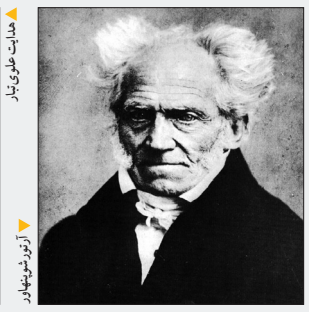

آرتور شوپنهاور

هدایت علوی‌تبار

بدبینی حاکم بر تفکر شوپنهاور و فلسفه رنج

نتیجه این اراده کر و کور و بی‌شعور جاری بر جهان، بدبینی حاکم بر فلسفه شوپنهاور است. شوپنهاور یک فیلسوف بدبین است و به تمام عالم ناسزا می‌گوید. البته این بدبینی شوپنهاور در واقع واکنشی به خوش‌بینی قرن هجدهم است. در قرن هجدهم که عصر روشنگری بود، نوعی خوش‌بینی وجود داشت. در قرن نوزدهم «آنتی‌تز» را داریم که همین بدبینی فلسفه شوپنهاور است.

او معتقد است با توجه به اینکه تمام زندگی بر پایه اراده شرور استوار شده، پس کل زندگی بی‌معناست. برای چه چیز باید تلاش کنیم؟ آیا ما خودمان تلاش می‌کنیم یا اینکه یک عروسک خیمه‌شب‌بازی هستیم. چنین به نظر می‌آید که ما عروسک خیمه‌شب‌بازی هستیم و در پشت صحنه یک اراده فی‌نفسه، حرکات ما را کنترل می‌کند بدون اینکه ما بدانیم. پس زندگی بی‌معناست. به این دلیل که این اراده شرور، زندگی انسان‌ها را به سمت خود می‌کشاند، اکثر انسان‌ها بدبخت هستند و رسیدن به خوشبختی دست‌نایافتنی است، زیرا انسان می‌خواهد خود را با اراده فردی خود حفظ کند. همچنین انسان‌های دیگر نیز برای بقای خود و حفظ نوع، این اراده را دارند.

از این‌رو تنازع بقا به وجود می‌آید و حاصل آن جز درگیری نیست. خوشبختی در این دنیا هم آمیخته با رنج است و هم اینکه انسان وقتی به آن می‌رسد، احساس می‌کند دوباره چیز دیگری می‌خواهد. در واقع خوشبختی به منزله سراب است. شوپنهاور معتقد است که زندگی، دویدن به دنبال سراب‌هاست و موجودات هر چقدر کامل‌تر باشند، بیشتر در رنج هستند.

راهکار شوپنهاور برای رهایی از درد و رنج

او دو راه‌حل برای رهایی از شر اراده فی‌نفسه ارائه می‌دهد که یکی موقت و دیگری دائم است. راه موقت آن، هنر است؛ ما از طریق هنر می‌توانیم بر اراده فی‌نفسه غلبه کنیم. هنر می‌تواند برای انسان میل خوشبختی موقتی را فراهم کند، به این معنا که زمانی که انسان ادراک زیبایی‌شناختی و هنری انجام می‌دهد، خود را از اراده فی‌نفسه رها کرده است. این رهایی باعث لذت و خوشبختی است. اما هنر، راه‌حلی موقتی است و تمام می‌شود. انسان نمی‌تواند در تمام زندگی ادراک هنری داشته باشد. شوپنهاور معتقد است زمانی که انسان به موسیقی گوش می‌دهد، خود را از اراده فی‌نفسه جدا کرده است، زیرا در آن لحظه هیچ میل عملی در او نیست. در واقع به همین دلیل است که انسان لذت می‌برد، زیرا احساس می‌کند از این دنیا خارج شده است. تمام اینها به این دلیل است که انسان خود را از آن میل جدا کرده و به همین خاطر احساس خوشی و آرامش به او دست می‌دهد. پس یک مساله، مساله هنر است. راه‌حل دوم؛ دو مرحله دارد. ابتدا اخلاق و بعد از آن زهد است. با این توضیح که در عالم نومن، وحدت است و کثرت وجود ندارد، زیرا در آنجا زمان و مکان نیست. چیزی که تکثر را در فلسفه شوپنهاور ایجاد می‌کند، زمان و مکان است که در عالم فنومن است، نه در عالم نومن. حال اگر انسان‌ها چنین رابطه شفقت با یکدیگر داشته باشند، تمام انسان‌ها یکی می‌شوند؛ کثرت میان آنها از بین می‌رود و تبدیل به وحدت می‌شود. این تبدیل به وحدت و یگانه‌شدن، در واقع نوعی رفتن از عالم فنومن‌ها به عالم نومن است و این خود مبارزه با اراده است.

نشست

دیدگاه‌های امام خمینی(ره) درباره عاشورا بررسی می‌شود

در روزهای پایانی ماه ذیحجه و در آستانه فرا رسیدن ماه محرم اولین نشست تخصصی «اشک رازدار»، با توجه به اهمیت بررسی دیدگاه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در مورد تاثیرات هنر آیینی ستایشگری در حوزه سیاست مداحی، مداح سیاسی و نیز تاثیرپذیری از مجالس امام حسین(ع) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هویت بخش اسلامی برگزار می‌شود. این نشست به همت فرهنگسرای امام خمینی(ره) و با همکاری مجمع جهانی ستایشگران اهل بیت(ع) با موضوع بررسی دیدگاه‌های امام(ره) در تبیین کارکرد سیاسی و انقلابی واقعه عاشورا در تاریخ تشیع و نقش مداح در تبیین این واقعیات در ساعت ۱۵ روز جمعه ۲۵ مهر ماه برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای شرکت در نشست تخصصی «اشک رازدار» می‌توانند به سالن همایش‌های فرهنگسرای امام خمینی(ره) به نشانی نیاوران، بین سه‌راه یاسر و جماران، خیابان امیر سلیمانی حضور پیدا کنند.

همایش

«المیزان و علوم انسانی» فراخوان داد

مهر: فراخوان مقاله همایش ملی «المیزان و علوم انسانی» که به همت گروه مطالعات قرآن و حدیث پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار می‌شود، منتشر شد. بنا به این فراخوان، علاقه‌مندان می‌توانند مقالات خود را تا بهمن ماه ۱۳۹۳ در محورهای کلیات، فلسفه و علم انسان‌شناسی، فلسفه و علم اخلاق، فلسفه و علم طبیعت، فلسفه و علم روانشناسی، فلسفه و علم جامعه‌شناسی و اندیشه اجتماعی، فلسفه فرهنگ و فرهنگ‌شناسی، فلسفه و علم سیاست، فلسفه و علم حقوق، فلسفه و علم اقتصاد، فلسفه و علم تربیت، علم و فلسفه تاریخ، علم و فلسفه تمدن، و فلسفه دین به دبیرخانه این همایش به نشانی قم، بلوار ۱۵ خرداد، خیابان شهید میثمی، گروه مطالعات قرآن و حدیث پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ارسال کنند. همایش ملی «المیزان و علوم انسانی» در آبان ماه ۱۳۹۴ برگزار خواهد شد.

دوره

دوره آموزشی از فلسفه تا حقوق در دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دوره آموزشی با عنوان «از فلسفه... تا حقوق» برگزار می‌کند. زمان برگزاری این دوره از ۲۴ مهر لغایت ۳ بهمن است که روزهای پنجشنبه (صبح تا عصر؛ اردوها به صورت دو روزه پنجشنبه و جمعه) برگزار خواهد شد. تاریخ تمدن یک در شش جلسه، فلسفه غرب یک در هشت جلسه، علم‌شناسی در هشت جلسه، جریان‌شناسی فقه و اصول یک در چهار جلسه، فلسفه حقوق بشر در چهار جلسه، پوزیتیویسم حقوقی در سه جلسه، نظریه‌های حقوق طبیعی در سه جلسه، مکاتب تفسیری در سه جلسه و مکاتب انتقادی حقوقی در پنج سرفصل دروس نیمسال اول این دوره را تشکیل می‌دهد. افرادی که مایل به شرکت در این دوره هستند می‌توانند تا تاریخ ۱۸ مهرماه، نام و نام خانوادگی، دانشگاه محل تحصیل، مقطع تحصیلی، ایمیل و شماره تماس خود را به آدرس falsafeh@gmail.com بفرستند. لازم به ذکر است که پذیرش نهایی در این دوره منوط به قبولی در مصاحبه است.

کتاب

تجدید چاپ «فلسفه علم کلام» پس از ۲۵ سال

کتاب «فلسفه علم کلام» به قلم هری اوسترین ولفسن و با ترجمه احمد آرام که از آثار مرجع در علم کلام و به‌عنوان یکی از معتبرترین منابع تحقیقی و دانشگاهی در این خصوص شناخته شده است، برای دومین‌بار منتشر می‌شود. در ابتدای فصل اول این کتاب می‌خوانیم: «اصطلاح کلام، که از لحاظ لفظی به معنی «سخن» یا «واژه» است در ترجمه‌های عربی آثار فلسفی یونانی، به‌عنوان معادل عربی لفظ یونانی لوگوس در معانی مختلف آن «کلمه» و «عقل» و «دلیل» به کار رفته است. این اصطلاح همچنین در ترجمه‌های عربی آثار یونانی به معنی هر شاخه خاص از علم و لفظ مُتَکَلِّمون (مفرد آن: متکلم)، برای اشاره کردن به استادان یا نمایندگان هر شعبه خاص از علم آمده است.» در بخش پایانی «فلسفه علم کلام» نیز چنین آمده است: «کلام به آن گونه از فلسفه جدید، یعنی فلسفه کتاب آسمانی تعلق دارد که پس از ساخته شدن به دست فیلو، در روایت‌های گوناگون به شکوفایی خود ادامه داده است.» این اثر برای نخستین‌بار در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات بین‌المللی الهدی منتشر شد و اینک پس از ۲۵ سال برای دومین بار در حجم احتمالی ۷۱۵ صفحه وارد بازار کتاب می‌شود.

«خودسازی برای خودشناسی» منتشر شد

سیدروح‌الله دعایی از انتشار کتاب خودسازی برای خودشناسی نوشته مریم‌سادات زیارتی از سوی پژوهشکده باقرالعلوم خبر داد. وی افزود: کتاب خودسازی برای خودشناسی از «مقدمه و سه بخش: کلیات، معرفت حصولی به نفس (علم‌النفس) و معرفت حضوری به نفس» گردآوری شده که هر بخش دارای فصولی است. کتاب «خودسازی برای خودشناسی» نوشته مریم‌سادات زیارتی از سوی پژوهشکده باقرالعلوم در ۴۹۲ صفحه و به قیمت ۱۶ هزار تومان روانه بازار کتاب شده است.

«جریان‌شناسی سیاسی» منتشر شد

ایبنا: کتاب «جریان‌شناسی سیاسی» نوشته علی مجتبی‌زاده و محمدعلی لیالی از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد. این کتاب به پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویان درباره دیدگاه‌ها و عملکردهای جریان‌های سیاسی می‌پردازد. علی مجتبی‌زاده و محمدعلی لیالی، کتاب «جریان‌شناسی سیاسی» را در پنج فصل با عناوینی چون «مفاهیم و اصطلاحات»، «فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی از منظر اسلام و قانون اساسی»، «جریان‌شناسی احزاب و گروه‌های سیاسی پیش از انقلاب اسلامی»، «جریان‌شناسی احزاب و گروه‌های سیاسی پس از انقلاب اسلامی» و «تشکل‌های دانشجویی» گردآوری کرده‌اند. این کتاب، نگاه اجمالی به دیدگاه‌ها و عملکردهای جریان‌های سیاسی کشور براساس منابع موجود گروه‌ها و جریان‌ها دارد. این کتاب در ۳۷۰ صفحه و بهای ۹۶۰۰ تومان منتشر شده است.